

فاصله نسلی در ایران: فرا تحلیل و نقد تحقیقات پیشین

(صفحات ۱۴۷ تا ۱۷۱)

دکتر محمدحسین پناهی^۱ * سیدهادی علویون^۲

دریافت: ۹۶/۱۱/۰۸ پذیرش: ۹۷/۰۲/۱۸

چکیده

بررسی و نقد پژوهش‌های انجام شده در زمینه فاصله نسلی هدف اصلی این پژوهش است. در این پژوهش، پس از پالایش اولیه مقالات، ۴۰ مقاله علمی - پژوهشی مرتبط با موضوع فاصله و شکاف نسلی از طریق پایگاه اطلاعات علمی مگیران و پایگاه اطلاعاتی نورمگز، انتخاب و در زمینه‌های چارچوب نظری، روش تحقیق و یافته‌ها بررسی و مقایسه شدند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در این پژوهشها، فقر نظریه پردازی بومی، غلبه روش‌های پیمایشی و غیبت روش‌های ترکیبی، پراکندگی و عدم انسجام در شاخص‌سازی انواع فاصله نسلی، تلقی متفاوت از مفاهیم فاصله، شکاف و انقطاع نسلی کاملاً مشهود است. بعلاوه، عدم ارائه تعاریف عملیاتی دقیق برای این مفاهیم، و عدم سنجش درست متغیرها، و عدم تفکیک بعد ارزشی و بعد هنجاری فاصله نسلی از هم، یافته‌های آنها را دچار آشفتگی کرده است. همچنین این تحقیقات از تعمیم نتایج بدست آمده بدون قید ابعاد و حوزه‌های مورد بررسی، از نداشتن معیار مشترک سنی در تفکیک نسل‌های نسل اول، دوم و سوم، و از کم توجهی به اعتبار ابزار مورد استفاده رنج می‌برند. در نگاه کلی، تفاوتها و تناقض‌های قابل توجه در نتایج بدست آمده می‌تواند سبب سردرگمی پژوهشگران بعدی و برداشت‌های نادرست و سلیقه ای از نتایج توسط سیاستگذاران شود.

واژگان کلیدی: نسل، فاصله نسلی، شکاف نسلی، گسست نسلی، فرا تحلیل.

mhpanahi@gmail.com

۱. استاد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی؛

۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)؛

seyedhadi@yahoo.com

مقدمه

با مطالعه وضعیت جوامع در گذشته در می‌یابیم که تفاوت بین نسل‌ها^۱ پدیده تازه‌ای نیست، بلکه از گذشته در جوامع انسانی وجود داشته است. اما پدیده تعارض و رویارویی نسلی^۲، ویژه جوامع جدید بوده و تا قرن بیستم نشان جدی از آن دیده نمی‌شود (Eisenstadt, N, 1995:28-35, Reinhold, 1970) و شفرز، (۴۰:۱۳۸۳). بنابراین، فاصله نسلی^۳، به عنوان یک پدیده اجتماعی، پیامد صنعتی شدن، تغییر و توسعه اقتصادی-اجتماعی در پنجاه سال گذشته است. این پدیده در کشورهای غربی از دهه ۱۹۴۰ و به ویژه از دهه ۱۹۶۰ به بعد به یکی از حوزه‌های مطالعاتی مهم و گسترده در علوم اجتماعی تبدیل شده است. ایران نیز در پنجاه سال اخیر به جهت قرار گرفتن در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه اجتماعی-اقتصادی، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و فرآیند جهانی شدن، یکی از مهمترین دوران‌های حیات اجتماعی خود را پشت سر گذاشته و شاهد رشد در ابعاد مختلفی از قبیل صنعتی شدن، شهرنشینی، سوادآموزی، تحصیلات دانشگاهی، جوانی جمعیت، گسترش وسایل ارتباط جمعی، گسترش ارتباطات داخلی و بین‌المللی، مهاجرت گسترده به شهرها و رشد طبقات متوسط بوده است. بنابراین، موارد ذکر شده به تنهایی و یا همزمان، می‌تواند منجر به تحول نامتقارن در ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای نسل‌های مختلف در جامعه شود.

برنامه‌های نوسازی و صنعتی شدن از عواملی است که موجب افزایش سطح تقسیم کار و تفکیک نسبی نهادهای مختلف آموزشی و اقتصادی، خصوصاً در شهرها شده است. به همین دلیل، خانواده‌های شهری بخش مهمی از کارکرد تولیدی و آموزشی خود را ازدست داده‌اند و تربیت فرزندان را پس از سال‌های اولیه زندگی، به نهادهای آموزشی بیرون از خانواده می‌سپارند، که می‌تواند موجب اختلاف فرهنگی فرزندان و والدین آنها شود. عامل دیگر، تاثیر تحصیلات و وسایل ارتباط جمعی در تفاوت نسلی است؛ افزایش سطح تحصیلات و به تبع آن استفاده بیشتر از وسایل ارتباط جمعی نظیر شبکه‌های اجتماعی در نزد جوانان می‌تواند موجب افزایش آگاهی و سطح انتظارات

-
- 1- generational differences
 - 2- generational conflicts
 - 3- generation gap

آنان و ایجاد ذائقه‌های جدید فرهنگی و اجتماعی و تفاوت بین دو نسل از نظر ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها شود.

از طرف دیگر وقوع انقلاب اسلامی، به عنوان یک رویداد عظیم اجتماعی، نیز از رخدادهای خاص و تأثیرگذار در این دوره بوده که حامل ارزشهای مذهبی و سنتی و ارزشهای نوینی مانند گسترش مشارکت سیاسی، ایجاد نهادهای سیاسی و اجتماعی دموکراتیک، افزایش فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان، توجه به استقلال ملی، عدالت اجتماعی و تفکرات آزادی‌خواهانه است. جنگ تحمیلی هشت ساله و پیامدهای آن برای نهادینه‌سازی ارزش‌های انقلاب، از طریق اعمال انضباط، کنترل اخلاقی-اجتماعی با استفاده از رسانه‌های جمعی و نظام آموزشی نیز از عوامل مهم اثرگذار در این زمینه است. علاوه بر عوامل داخلی، عوامل خارجی و به ویژه جهانی شدن، نیز می‌تواند عامل موثری در تفاوت نسلی باشد. به عبارت دیگر، نسل پس از انقلاب و نسل متأخرتر، در شرایط داخلی و در فضای جهانی کاملاً متفاوتی اجتماعی شده و رشد کرده که می‌تواند به ایجاد تفاوت‌هایی با نسل‌های قبل منجر شده باشد؛ بدین معنی که انتظارات، ارزش‌ها و هنجارهای آنها از شرایط جدید متأثر شده و با نسل قبل اختلافاتی پیدا کرده است. نسل جدید در برخی زمینه‌ها، در مقابل فرهنگ و اخلاق ترویج شده از سوی والدین، مدرسه و جامعه مقاومت کرده، و به تعبیر "بورديو" به دلیل بالا بودن ضریب نوجوانی و تغییر خواهی و تمایل به آزادی بیشتر، شرایط فعلی را باب میل خود نمی‌بیند و دوست دارد آینده را خودش تعریف کند (Bourdieu, 1984: 151). بنابر این، نسل جدید به تبع شرایط ویژه دوران جامعه‌پذیری و شکل‌گیری شخصیت خود، ممکن است ارزش‌ها و هنجارهای متفاوتی از نسل قبل داشته باشد.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در موضوع فاصله نسلی انجام شده است. مقایسه و فراتحلیل این پژوهش‌ها می‌تواند علاوه بر اینکه وضعیت این پژوهش‌ها را در ابعاد مختلف مشخص نماید، چشم‌انداز روشنی را برای پژوهشگران بعدی ترسیم نماید. بنابر این، پرسش‌های مدنظر در این پژوهش عبارتند از اینکه:

- ۱- تحقیقات انجام گرفته در ایران از چه رویکردهای نظری استفاده کرده‌اند؟
- ۲- این تحقیقات از چه روش‌هایی استفاده نموده‌اند و چه شاخص‌هایی برای سنجش فاصله نسلی استفاده نموده‌اند؟

- ۳- تحقیقات انجام شده به چه نتایجی رسیده اند؟
۴- نقاط قوت و ضعف پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه کدامند؟

۱- ادبیات پژوهش:

در این قسمت به بررسی ادبیات تجربی و ادبیات نظری پژوهش می‌پردازیم.

۱-۱- ادبیات تجربی

پناهی (۱۳۸۰) در مقاله خود با بررسی، یک پژوهش کشوری و چهار پژوهش استانی نتیجه‌گیری کرده است که اختلافات نسلی در حدی نیست که بتوان به آن شکاف اطلاق کرد؛ ولی اختلافات هنجاری نسبت به اختلافات ارزشی بیشتر است. یافته‌های طرح ملی تحول ارزش‌ها و نگرش‌ها توسط معیدفر (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که در سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، در برخی زمینه‌ها تفاوت آشکاری میان جوانان و بزرگسالان مشاهده نمی‌شود. اما در برخی زمینه‌ها مانند پایبندی به مناسک دینی و رویکرد تساهلی به دین، فاصله بین دو نسل بیشتر است. آزاد ارمکی (۱۳۸۶) در پژوهش خود پس از بررسی سه دیدگاه موجود در ایران (۱- مدافعان گسست نسلی ۲- مدافعان توافق نسلی ۳- مدافعان تغییر نسلی) نتیجه‌گیری کرده است که به دلیل وجود تعامل نسل‌ها با دین و نهاد خانواده و وجود ظرفیت‌های فرهنگی - اجتماعی و تجارب تاریخی مشترک بین نسل‌ها امکان گسست یا تعارض نسلی وجود ندارد.

طالبان و بهابادی (۱۳۸۹) در یک تحلیل ثانویه به دنبال آن بوده‌اند که آیا همزمان با فرآیندهای رسمی اسلامی کردن جامعه، دین‌داری فردی ایرانیان نیز افزایش یافته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعداد بیشتری از شاخص‌های دین‌داری (شرکت در نماز جمعه یا نماز جماعت) در طول زمان کاهش یافته و دین‌داری گروه سنی بالاتر از ۵۰ نسبت به گروه سنی جوان، بیشتر است. تحقیق یعقوب احمدی (۱۳۹۳) با استفاده از داده‌های پیمایش جهانی انجام گرفته است. یافته‌های این تحقیق حاکی از برتری نسل جوان در بروز ارزش‌های ابراز وجود در میان این نسل است و این تفاوت هم در سطح ملی و هم در سطح استانی، به تفکیک جنسیت نتایج مشابهی داشته است. چیت‌ساز قمی (۱۳۸۶) در بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی با نگاهی مفهوم

شناسانه به پژوهش‌ها، وجود برخی مشکلات از جمله عدم ارائه ضابطه مشخص برای تفکیک نسل‌ها و نبود تعریف دقیق و شفاف از این مفهوم و معیارهای جداگانه برای سنجش شکاف نسلی تاکید کرده است. بر این اساس، امکان مقایسه نتایج با مشکل مواجه بوده است. جانعلی زاده چوب بستی و سلیمانی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان شکاف نسلی: توهم یا واقعیت نشان داده‌اند که اکثر تحقیقات انجام گرفته در زمینه روابط نسلی، ملاک و ضابطه مشخصی در تفکیک نسل‌ها از یکدیگر ارائه نکرده‌اند؛ همچنین ملاک روشن و متقن در مورد تفاوت، فاصله و یا شکاف نسلی ارائه نداده‌اند و با اختلاف نمره میانگین نسلی و یا به صرف وجود روابط معناداری قضاوت‌های مختلفی در زمینه شکاف، فاصله یا تفاوت نسلی را ارائه کرده‌اند.

بررسی فراتحلیل‌های انجام گرفته نشان‌دهنده این است که به غیر از دو پژوهش، اکثر تحقیقات، فراتحلیل را به صورت کمی و با تاکید بر بعد نتیجه‌شناختی انجام داده‌اند و به بعد روش‌شناختی و مفهوم‌شناختی توجه نکرده‌اند. همچنین در فراتحلیل‌های انجام گرفته به تعریف دقیق متغیرها توجه نشده است. نوآوری این مقاله در این است که نشان می‌دهد چگونه فاصله نسلی اجتماعی با متغیرها و شاخص‌های بسیار متفاوتی مورد قضاوت قرار گرفته است. این شاخص‌های متفاوت در فاصله نسلی خانوادگی و در فاصله نسلی دینی نیز مشاهده شده است. مورد دیگر، کم توجهی فراتحلیل‌های انجام شده به تفکیک بعد ارزشی و هنجاری فاصله نسلی است که در قضاوت بسیار موثر است. در این مقاله، یافته‌های تحقیقاتی که این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند، به تفکیک مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین این مقاله به طور دقیق نشان می‌دهد که به‌رغم توجه پژوهشگران به چهارچوب‌های تئوریک نسلی، در عمل برای تقسیم‌بندی سنی، معیار مشخصی ذکر نکرده‌اند. همچنین این پژوهش با بررسی چهل مقاله علمی - پژوهشی (با بیشترین فراوانی) به پراکندگی و عدم انسجام در شاخص‌سازی فاصله سنی در تفکیک نسل‌ها و تلقی متفاوت از مفاهیم فاصله، شکاف، گسست و پیامدهای آن را مشخص کرده است.

۱-۲- ادبیات نظری

موضوع نسل‌ها و تفاوت‌های نسلی از دغدغه‌های همیشگی انسانها بوده است.

مانه‌ایم در مقاله مساله نسل‌ها، فرایند تاریخی موضوع را در اروپا و آمریکا در قالب دو رهیافت عمده پوزیتیویستی و مکتب تاریخی مورد توجه قرار داد و خود نیز با بررسی تاریخی موضوع نسلها، وارد مباحث جامعه‌شناسی نسلی گردید (Pilcher, 1994: 484-488 Mannheim, 1952: 266-288). مارگارت مید این بحث را با مفهوم‌سازی جدید خود به‌طور جدی‌تری وارد مطالعات انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی کرد (Mead, 1970). از آن پس موضوع فاصله نسلی یکی از حوزه‌های مطالعاتی فعال علوم اجتماعی بوده است. مفاهیم مربوط به نسل که شامل فاصله نسلی، شکاف نسلی، انقطاع نسلی و گسست نسلی است. در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فاصله یا شکاف نسلی: در بیشتر مطالعات، فاصله یا شکاف نسلی از هم تفکیک نشده است، درحالی که این دو مفهوم می‌باید از هم تفکیک شوند. پناهی (۱۳۸۰: ۸۴) معتقد است، معمولاً فاصله نسلی به اختلافات مهم بین دو نسل در تجربه، ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی به اختلاف و شکاف فرهنگی قابل توجه بین دو نسل گفته می‌شود. «هرچه شکاف یا فاصله نسلی عمیق‌تر و وسیع‌تر باشد، امکان فهم و درک هر نسل از نسل دیگر مشکل‌تر می‌شود». (پناهی ۱۳۸۰: ۸۴). شیخی نیز فاصله نسلی را این‌گونه تعریف کرده است: «منظور از فاصله نسلی، تغییر در رفتار اجتماعی - فرهنگی بین دو نسل و همچنین تفاوت در علائق، توقعات و انتظارات و نظایر آنهاست» (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۱). تاجیک نیز شکاف نسلی را چنین تعریف می‌کند: «شکاف نسلی در واقع نوعی شکاف اجتماعی است و شکاف‌های اجتماعی به معیارها و مرزهایی دلالت دارند که گروه‌های اجتماعی را از یکدیگر جدا می‌سازند و یا در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهند» (تاجیک، ۱۳۸۱: ۳۶۷).

گسست نسلی: گسست نسلی به موقعیتی اطلاق می‌شود که حداقلی از تضاد فرهنگی و اجتماعی، که منشا تراحم نسلی است، بین دو نسل وجود داشته باشد. به عبارت دیگر دو نسل به لحاظ معرفتی، نوع زندگی و مرجع تصمیم‌گیری ممکن است در تعارض با یکدیگر قرار گیرند. به نظر معیدفر «مفهوم گسست یا انقطاع نسلی به بزرگترین و گسترده‌ترین اختلاف میان نسل‌ها اشاره دارد و این مفهوم کمتر در فرهنگ‌های لاتین دیده می‌شود و تحت این عنوان کمتر مقاله یا کتابی یافت می‌شود و بعضاً در برخی از

متون از آنها استفاده شده است» (معیدفر، ۱۳۸۳: ۵۲).

انقطاع نسلی: به نظر قبادی زمانی که پارادایم‌های یک جامعه به ویژه پارادایم‌های معرفتی آن تغییر کند، انقطاع نسلی صورت می‌گیرد؛ پدیده‌ای که سیر کند و آرامی دارد و در یک دوره طولانی به وجود می‌آید (قبادی، ۱۳۸۲: ۵۴). به عبارت دیگر، انقطاع نسلی به شکل نهایی گسست نسلی که توأم با تراحم بین نسل‌هاست اطلاق می‌شود. در واقع گسست نسلی مقدمه رسیدن به انقطاع نسلی است (How N and B Strauss: 2000) به نقل از آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۵۲).

نظریه‌های اختلاف نسلی

از آنجا که اختلاف نسلی از مهم‌ترین پدیده‌های جوامع معاصر است، که تغییرات اجتماعی-اقتصادی وسیع و سریعی را تجربه می‌کنند، صاحب‌نظرانی چون مانهایم، مید، اینگلهارت، بکر، بالس، بوردیو، ترنر و بنگتسون از دیدگاه‌های مختلف به این مسئله پرداخته‌اند.

کارل مانهایم در مطالعات جامعه‌شناختی خود بحث نسل‌ها را به طور جدی مورد بررسی قرار داده و سعی در تفکیک معانی متعدد نسلی از قبیل موقعیت نسلی، واقعیت نسلی و واحد نسلی نموده و تلاش کرده تا این اختلاط معانی را روشن کند. در موقعیت نسلی، افراد باید در یک فضای تاریخی و فرهنگی یکسان به دنیا آمده باشند، ولی واقعیت نسلی چیزی بیشتر از حضور مشترک در یک دوره فرهنگی یا تاریخی و نیازمند یک حلقه اتصال عینی‌تر است (Mannhiem, 1952: 395). واحد نسلی نیز نسبت به واقعیت نسلی، حلقه اتصال عینی‌تری قلمداد می‌شود. گروه‌های موجود در یک نسل حقیقی که برای حل مسائل، تجارب مشترک خویش را به روش‌های مخصوص به کار می‌برند؛ واحدهای نسلی مجزایی را تشکیل می‌دهند. «از نظر مانهایم تشابه اصلی در نسل در داده‌های شکل دهنده آگاهی اعضای آن نسل است. هر چقدر این داده‌های شکل دهنده شبیه‌تر، تشابه نسلی نیز بیشتر است (کوزر، ۱۳۷۳: ۵۶۹).

ماگارت مید نیز برای تبیین فاصله نسلی، از سه نوع جامعه بحث می‌کند: ۱- جامعه‌ای که آن را *postfigurative culture* می‌نامد. در این نوع جوامع دگرگونی کند است و سه نسل با هم زندگی کرده و بدون پرسش وضع موجود را می‌پذیرند. ۲- جامعه

cofigurative culture: که در این نوع جامعه، نسل گذشته الگوی مناسبی برای نسل بعدی نمی‌تواند باشد و نسل جدید برای یادگیری سبک زندگی وضع مناسب حال و آینده خود، به اعضای دیگر هم نسلان مراجعه می‌کنند. ۳- جامعه prefigurative culture: در این جامعه دگرگونی بسیار شدید است و نسل جدید هم گذشته و هم حال را محکوم و رها می‌کند و به دنبال ساختن دنیای جدید است. مارگاریت مید ادعا می‌کند که فاصله نسلی بین دو نسل بعد و قبل جنگ جهانی دوم واقع شده، از این نوع است (پناهی، ۱۳۸۲: ۶-۷).

رونالد اینگلهارت نیز سعی کرده فاصله نسلی را تبیین کند. او از سه دهه پیش با رویکرد مانهایمی نظریه تغییر ارزش خود را تحت عنوان "نظریه فرامادیگری" در چهارچوب کلی رویکرد اجتماعی-تاریخی تغییرات فرهنگی آغاز نمود. اینگلهارت معتقد است که در جوامع پیشرفته صنعتی، اولویت‌های ارزشی از سمت مسائل و دلبستگی‌های مادی و مرتبط با امنیت اقتصادی و اجتماعی، به سوی تاکید بیشتر بر آزادی ابراز عقیده و کیفیت زندگی یا همان ارزش‌های فرامادی، گرایش پیدا کرده است. اینگلهارت دو فرضیه درباره عوامل تغییرات ارزشی دو نسل مطرح می‌کند: ۱- فرضیه کمیابی ۲- فرضیه اجتماعی شدن (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۵ و ۷۶).

اینگلهارت در واقع با ترکیب این دو فرضیه وارد یک تئوری نسلی می‌شود که قضایای نوآوران‌های را درباره تغییرات ارزشی در جوامع صنعتی پیشرفته ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر، اینگلهارت ارتباط بین سال تولد به معنای نسل و ارزش‌های فرامادیگرایانه را با ترکیب دو فرضیه مذکور تبیین می‌کند. او سطوح توسعه اقتصادی کشورها را با ارزش‌های فرامادیگرایانه در ارتباط قرار داده است.

به نظر **هنک بکر** تاثیر حوادث ناپیوسته، مهم‌تر از تاثیر حوادث کلان پیوسته، بر ارزش‌ها و هنجارهای نسلی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد. براین اساس، او نسل را چنین تعریف می‌کند: «یک نسل معاصرانی هستند که در رفتارشان اثرات یک دگرگونی ناپیوسته کلان، که آن را در دوره شکل‌گیری شخصیتشان تجربه کرده‌اند، مشهود است» (Becker, 2000: 115). در واقع این یک نسل تاریخی است که بکر این نسل تاریخی را با چهار فرضیه تبیین می‌کند: ۱- فرضیه اجتماعی شدن افتراقی ۲- فرضیه کمبود نسبی ۳- فرضیه بازتولید و تقویت ۴- فرضیه تداوم اجتماعی شدن. بکر در مدل

نظری خود فرضیه‌های دیگری را نیز درباره چگونگی اثرگذاری وقایع ناپیوسته در ارزش‌ها و هنجارهای افراد مطرح می‌کند. بدین ترتیب، حوادث ناپیوسته تاریخی نه تنها نسل‌های کلی تاریخی ایجاد می‌کنند، بلکه نسل‌های جزئی و خاص هم به‌وجود می‌آورند. بدین معنی که در درون یک نسل کلی تاریخی یا اجتماعی، گروه‌های خاصی می‌توانند از لحاظ شدت تاثیرپذیری از واقعه متفاوت باشند و به‌طور جداگانه مورد مطالعه قرار گیرند (Becker, Ibid:116).

کریستوفر بلس^۱ با رویکرد روانشناسانه، تفاوت نسلی را با ذهنیت نسلی واژه‌های فرهنگی مرتبط می‌داند. در این رویکرد شکل‌گیری هر نسل جدید با رخداد فرآیندهای ذهنی شدید مترادف است. این اژه‌ها پیوند افراد را با فرهنگ زمانه خود و نیز با رهانیدن افراد از زمان و مکان خاص، آنها را در فضای بی‌زمان مشارکت می‌دهد، بدین ترتیب این تحلیل، حالت کلان به خود می‌گیرد. همچنین این رویکرد تاثیر عوامل کلان ذهنی و عینی را بر ارزش‌ها و نگرش‌های ذهنی افراد بررسی می‌کند. رویکردهای دیگر از قبیل تضاد ساختاری (بورديووترنر)، رویکرد ساختارگرایی (پارسنز و کوهن)، رویکرد خرد (بنگتسون و...) نیز از دیدگاه‌های مختلف موضوع شکاف نسلی را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در نقد رویکرد ساختی کارکردی می‌توان گفت که این رویکرد به جهت تاکید مفرط بر اشتراک ارزشی، انتقال ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر و تاکید بر ثبات و تعادل در نظام اجتماعی برای جامعه ایران که تغییرات اجتماعی اقتصادی عظیمی را تجربه کرده و شکاف نسلی به یکی از دغدغه‌های مهم مسئولین در آمده است، کفایت نظری لازم را برای جامعه ایران ندارد. رویکرد تضاد ساختاری نیز معتقد است که شرایط نامتعادل و نامتوازن توزیع ثروت و قدرت و انحصار آن در دست بزرگسالان موجب تضاد نسلی گردیده است. ولی در جامعه ایران عامل مهم فاصله یا شکاف نسلی، حوادث تاریخی-اجتماعی نسل‌ساز و نیز جریان جامعه‌پذیری متفاوت، وسایل ارتباط جمعی جدید که موجب کاهش تعامل والدین و فرزندان گردیده و برنظام معانی و ارزش‌های افراد درون این حوادث تاثیر گذاشته و هویت نسلی ویژه‌ای را موجب گردیده

1- Christopher Bollas

است. بدین ترتیب نظریه مانهایم، مید، اینگلهارت، بکر و نیز نظریه بنگستون به جهت تاکید بر اهمیت تعامل درون خانواده بر شکاف نسلی از قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری برخوردارند.

۲- روش تحقیق

این تحقیق با استفاده از تکنیک فراتحلیل انجام گرفته است. ۴۰ مقاله علمی پژوهشی، برگزیده شده از ۵۵ مقاله موجود در پایگاه علمی مگیران و نور مگز چاپ شده در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۰ مورد بررسی قرار گرفته است و فهرست مقالات منتخب در فهرست منابع (به شکل ستاره دار) آمده است.

برای انجام فراتحلیل ابتدا معیارهای فراتحلیل در دو بعد روش شناختی و نتیجه شناختی استخراج و تنظیم شدند. معیارهای روش شناختی شامل: نظریه‌های به کار گرفته شده، روش‌های به کار گرفته شده، مبنای تفکیک نسل‌ها، شاخص‌های به کار گرفته شده برای سنجش فاصله نسلی از ناحیه پژوهشگران و در نهایت روش‌های تحلیل داده‌ها در مقالات منتخب مورد بررسی قرار گرفته و در قالب جداول تنظیم و ارائه شده است.

معیارهای نتیجه شناختی شامل: درصد تحقیقات موید فاصله نسلی، درصد تحقیقات موید شکاف نسلی، درصد نبود فاصله و شکاف، درصد موید وجود فاصله در یک زمینه و عدم تایید در زمینه دیگر. پس از تعیین معیارهای فراتحلیل، مقالات بر اساس معیارهای مشخص شده تحلیل و نتایج در قالب جداول تنظیم شد.

۳- تحلیل تجربی

الف- یافته‌های نظریه شناختی تحقیق

در این قسمت تحقیقات انجام گرفته در راستای پاسخ به سؤال اول تحقیق می‌باشد که در چهارچوب نظری پژوهش‌ها مورد بررسی بوده است. از چهارچوب‌های تئوریک استفاده شده در تحقیقات بررسی شده، بیشترین مورد مربوط به اینگلهارت (۳۰درصد)؛ مید (۱۷/۵ درصد)؛ مانهایم (۱۵ درصد)؛ بوردیو (۷/۵درصد)؛ بنگستون (۷/۵درصد)؛ پارسونز (۲/۵درصد)؛ زتومکا (۲/۵درصد) و ۷ درصد نیز از نظریه‌های تلفیقی استفاده کرده‌اند.

ب- یافته‌های روشی

تحقیقات انجام گرفته عمدتاً کمی هستند، یعنی ۷۲/۵ درصد تحقیقات از روش کمی پیمایش استفاده کرده‌اند. ۲۲/۵ درصد اسنادی و ۵ درصد نیز کیفی بوده است. در پژوهش‌های بررسی شده اکثر محققین (۷۲/۵ درصد) در بررسی فاصله نسلی، فقط دو نسل را مورد بررسی قرار داده‌اند و درصد کمی (۲۷/۵ درصد) نیز سه نسل را بررسی کرده‌اند. این تفاوت در بررسی تعداد نسل‌ها به تفاوت زیاد در طبقه بندی سنی نسل اول و دوم در مقایسه با پژوهش‌هایی که سه نسل را در نظر گرفته‌اند موثر بوده است. یکی دیگر از مباحث روش شناختی مهم در این نوع تحقیقات مفهوم‌سازی نسل و انواع آن است. جدول شماره ۱ تقسیم‌بندی سنی در تحقیقاتی که دو نسل را بررسی کرده‌اند نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱ تقسیم بندی متفاوت سنی از دو نسل

تقسیم بندی								تعداد نسل
۵۶-۸۰		۵۱-۶۴		۵۵ به بالا		۵۰ به بالا		نسل اول باعنوان والدین
-۳۴		-۳۵		۳۵-۲۵		۳۵-۲۹		نسل دوم
۲۵		۱۸		۲۰-		۱۵-۱۴		

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تقسیم‌بندی سنی در نسل اول نسبتاً کم‌تر و فاصله‌های سنی نیز به هم نزدیک‌تر است ولی در نسل دوم این تقسیم بندی از تنوع و پراکندگی زیادی برخوردار است به طوری که مبدا سنی نسل دوم از ۱۶ سالگی شروع شده و به ۳۵ سالگی می‌رسد. علاوه بر تعاریف مختلف از نسل در این مقالات، سنجش اختلاف نسلی نیز با شاخص‌های مختلف انجام گرفته است. در جدول (۲) شاخص‌های استفاده شده برای سنجش فاصله نسلی اجتماعی دیده می‌شود:

جدول شماره ۲ شاخص‌های استفاده شده برای سنجش فاصله نسلی اجتماعی

ارزشها و باورهای اجتماعی: ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی، ایثار، ارزش علم و دانش، ترجیح نوع مالکیت فردی و جمعی، زندگی مرفه، امنیت ملی، تعهد ملی، هویت جهان وطنی، ارزش موفقیت و پیشرفت، لذت طلبی، تقدیرگرایی، نوگرایی.
هنجارهای اجتماعی: علاقه به موسیقی، نوع پوشش، کار فردی یا کارشراکتی.
ارزشهای جمع گرایانه: امنیت، سنت، همنوایی، خیرخواهی، جهان گرایی.
ارزشهای فرد گرایی: قدرت، موفقیت، لذت طلبی، برانگیختگی، خود رهنمودی.

با توجه به جدول فوق، متوجه تعدد و تفاوت شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش فاصله نسلی می‌شویم که پیامد تعاریف و مفهوم‌سازی‌های متفاوت از این موضوع است و قضاوت در مورد واقعیت اجتماعی شکاف نسلی را مشکل می‌نماید. موضوع روش شناختی دیگر چگونگی سنجش اختلاف نسلی دینی است که در این حوزه نیز اتفاق نظر زیادی دیده می‌شود. جدول (۳) نشان می‌دهد که برای سنجش اختلاف نسلی در این حوزه به ابعاد اعتقادات دینی، هنجارهای دینی و عواطف دینی توجه شده است:

جدول شماره ۳: شاخص‌های استفاده شده برای سنجش فاصله نسلی دینی

الف) سنجش بعد هنجاری یا مناسکی: نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن خواندن، رفتن به مجالس مذهبی، رفتن به مسجد، رعایت حجاب، دادن دست با نامحرم، داشتن مرجع تقلید، امر به معروف و نهی از منکر، صدقه دادن، پرداختن فطریه.
ب) سنجش بعد اعتقادی: اعتقاد به خدا، اعتقاد به معاد، اعتقاد به نبوت، اعتقاد به قرآن به عنوان کتاب آسمانی، اعتقاد به عدم تحریف قرآن.
ج) سنجش بعد احساسی و عاطفی: درخواست کمک از خداوند، احساس نزدیکی به خداوند، توکل بر خدا.
د) رویکردها به دین: رویکرد بنیاد گرایی دینی، اصلاح گرایی دینی.

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در بررسی فاصله نسلی دینی با استفاده از مفهوم‌سازی کلاک و استارک، اکثر تحقیقات ابعاد سه گانه دین را مورد بررسی قرار داده‌اند. لذا اتفاق نظر در این حوزه زیاد می‌باشد. فقط یک مورد از تحقیقات با رویکرد بنیادگرایی و اصلاح‌گرایی فاصله نسلی دینی را مورد بررسی قرار داده است. یکی دیگر از حوزه‌های مطالعه فاصله نسلی ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به خانواده است، جدول شماره ۴ یافته‌های ما را در این زمینه نشان می‌دهد:

جدول شماره ۴: شاخص‌های استفاده شده برای سنجش فاصله نسلی خانوادگی

الف) ارزش‌ها و نگرش‌ها: ازدواج، طلاق، فرزند آوری و تعداد فرزندان، عشق و محبت، احترام متقابل، اعتماد متقابل، نقش‌های جنسیتی، روابط جنسی، درک یکدیگر.
ب) هنجارها و رفتارها: تربیت فرزندان، نحوه تصمیم‌گیری، دخالت والدین در زندگی فرزندان، فراوانی و چگونگی تعامل اعضای خانواده، کمک‌های مالی و عاطفی بین دو نسل، همجواری اقامتی اعضای خانواده، استفاده از رسانه‌های جهانی.

جدول فوق نیز نشانگر آن است که تعدد تعاریف و مفهوم‌سازی اختلاف نسلی در حوزه خانواده نسبتاً متعدد می‌باشد. برای تبیین اختلافات نسلی، بسته به چارچوب نظری تحقیق، از متغیرهای مستقل متعددی استفاده شده است. جدول ۵ متغیرهای مستقل استفاده شده برای تبیین اختلاف نسلی در این مطالعات را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۵: متغیرهای مستقل استفاده شده برای تبیین اختلاف نسلی در مقالات

میزان استفاده از رسانه‌های خارجی یا داخلی، تحصیلات، پایگاه اجتماعی قرار گرفتن در چرخه حوادث مهم تاریخی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی، منش اجتماعی، فردگرایی، تشنگی ارزشی-سبک زندگی، گروه‌های مرجع، معاشرت با گروه همسالان.	اجتماعی
میزان تعامل والدین با فرزندان، نوع تعامل والدین با فرزندان، تغییرات ساختار خانواده (تعدد، تنوع، مجاورت جغرافیایی) انسجام معاشرتی، انسجام کارکردی.	خانواده
میزان دینداری والدین، تعامل با گروه‌های دینی، توجه به آموزه‌های دینی.	دینی
درآمد خانواده، وضعیت اقتصادی، منش اقتصادی.	اقتصادی
سن، جنس	زمینه‌ای

جدول شماره ۵ بیانگر این است که متغیرهای متعددی در حوزه‌های مختلف در ارتباط با فاصله نسلی مورد بررسی قرار گرفته است. ولی در یک تقسیم‌بندی کلی، بیشترین مقدار در حوزه اجتماعی. سپس در حوزه خانواده می‌باشد و متغیرهای دینی، اقتصادی و زمینه ای به ترتیب از حیث فراوانی کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۶- روش‌های تحلیل داده‌ها در مقالات بررسی شده

درصد	فراوانی	روش‌های تحلیل	
		۴۲/۵	۱۷
۴۲/۵	۱۷	مقایسه میانگین‌ها با استفاده از F, T	
۵	۲	فقط مقایسه درصدها	
۵	۲	مقایسه درصدها با ذکر معیار برای فاصله، شکاف و گسست	
۵	۲	روش مقوله بندی و استفاده از مفاهیم حساس در روش‌های کیفی	

با توجه به جدول شماره ۶ در تحقیقات بررسی شده، اکثریت پژوهشگران فقط از آزمون‌های معنی داری برای تبیین فاصله یا شکاف نسلی استفاده کرده‌اند که بیشترین مقدار به طور مساوی (۴۲/۵ درصد) از تحلیل رگرسیون و از مقایسه میانگین‌های دو نسل از آزمون F, T استفاده کرده و فراتر از آزمون معنی داری در تبیین قضاوت نسلی گام برنداشته‌اند. در تحقیقات کیفی نیز پژوهشگران با استفاده از روش مقوله بندی و مفاهیم حساس در مورد تفاوت دو نسل قضاوت نموده‌اند؛ ولی به تمیز سه مورد فاصله و شکاف و گسست به صراحت تأکید نکرده‌اند.

ج) یافته‌های تحقیقات پیشین

محققین معیار خاصی برای تفکیک فاصله نسلی و یا شکاف نسلی ارائه نکرده‌اند ولی دریافته‌های پژوهش در نتیجه‌گیری‌های تحقیق، این مفاهیم را جداگانه به کار برده‌اند. یعنی زمانی که یافته‌های تحقیق از نظر آنها اختلاف بین دو نسل را تایید ولی قابل توجه نمی‌بینند و از واژه تفاوت نسلی استفاده کرده‌اند و در جاییکه به نظر آنها اختلاف قابل ملاحظه بوده از واژه شکاف استفاده کرده‌اند. ما این پژوهش‌ها را به چهار دسته تقسیم کرده‌ایم:

۱- تحقیقاتی که نتایج آنها بیانگر فاصله نسلی یا تفاوت نسلی می‌باشد: البان و عسگری (۱۳۹۶) در بررسی خود تفاوت نسلی را تایید کرده‌اند. همچنین سراجی و خاوری (۱۳۹۵) در بررسی سواد فن‌آورانه دانش‌آموزان و دبیران، جهانبخش (۱۳۹۵) در بررسی عوامل شکاف نسلی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، فرزانه و چراتی (۱۳۹۰) در بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تفاوت ارزشی والدین و فرزندان، احمدی و آزاد ارمکی (۱۳۹۲) تفاوت بین نسلی در زمینه ارزش‌های دموکراتیک و ارزش‌های ابراز وجود در سطح ملی و استانی، غفاری و تمیزی (۱۳۹۱) تفاوت نسلی در ارزش‌های خود اتکایی، انگیزش، هم‌نوایی، سنت، امنیت، لذت جویی و پیشرفت مقدس و نوروژی (۱۳۹۰) تفاوت نسلی در ارزش‌های مذهبی بین دو نسل (بین مادران و دختران) را تایید می‌کند که این تفاوت در بعد رفتار مذهبی معنادارتر است. ربانی و محمدزاده در تحقیق کیفی خود تفاوت نسلی دینی بین مادران و دختران، بوستانی و چاری (۱۳۹۱) در بررسی خود، فاصله در زمینه ارزش‌های فردگرایی و جمع‌گرایی بین سه نسل، طولابی و کمربگی (۱۳۹۲) تفاوت نسلی در زمینه ارزش‌های مادی و فرامادی، طالبان و رفیعی (۱۳۸۹) در بررسی تحولات دینداری بین سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۵۳ تفاوت نسلی را تایید می‌کنند.

۲- تحقیقاتی که شکاف نسلی را تأیید می‌کنند: در تحقیقات زیر محققان شکاف نسلی را تایید کرده‌اند بدون اینکه شکاف نسلی و فاصله نسلی را به طور مشخص تعریف و از هم تفکیک نمایند. بختیاری و نصیری (۱۳۹۷) در بررسی تاثیر آموزش‌های نرم‌افزارهای هوشمند موبایلی (تلگرام و اینستاگرام) در ایجاد شکاف نسلی بین مادران و دختران، کریمیان و نوابخش در تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی

فرزندان و والدین در انتظار از نقش یکدیگر در خانواده‌های شهری ایران، بابایی فرد و روحی (۱۳۹۵) در بررسی تاثیر سبک زندگی بر شکاف بین نسلی بین مادران و دخترانشان، نیازی و گنجی (۱۳۹۵) در بررسی عوامل اجتماعی موثر بر هویت فرهنگی در بین دانش آموزان، حضرتی صومعه و رحیمی (۱۳۹۵) در بررسی رابطه رسانه‌های جدید و شکاف نسلی در بین جوانان و والدینشان، معید فر (۱۳۸۳) در شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، کلدی و جمشیدی (۱۳۸۴) در بررسی تعارض ارزشی والدین و فرزندان، فتحی و همکاران (۱۳۹۴) تأثیر فناوری و اطلاعات و ارتباطات بر شکاف نسلی، کفاشی (۱۳۹۴) در بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر شکاف نسلی، احمدی و حامد (۱۳۹۰) در بررسی شکاف نسلی در زمینه بعد مناسکی دینداری، حسن ارجمندی و همکاران (۱۳۹۲) شکاف ارزشی بین والدین و فرزندان، احمدی و احیایی (۱۳۹۲) در تحقیق خود رابطه بین متغیر دینداری و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تحصیلات پدر و شکاف نسلی، بهار و رحمانی (۱۳۹۱) در تحقیق کیفی خود وجود شکاف نسلی در بعد مناسکی دینداری، رحیمی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه بین متغیرهای بحران هویت، حشو ارزشی والدین و فردگرایی و گرایش به اعتقادات دینی و شکاف نسلی، قائمی زاده و کولیوند (۱۳۹۳) رابطه بین تحصیلات والدین و ارتباط صمیمی والدین و ارتباط با دوستان شکاف نسلی را، پروانه دانش و همکاران (۱۳۹۳) در تحلیل ثانویه خود در مورد ارزش‌های سنتی و نوگرایانه دو نسل، شکاف نسلی را تایید می‌کنند.

۳- یافته‌هایی که تفاوت نسل را تایید نکرده‌اند: در تحقیقات بررسی شده، توکلی (۱۳۸۰) در پژوهش خود با عنوان بررسی ویژگی‌های دو نسل نظام مادران و دختران در چهارچوب نظام ارزشی، حسن کلاکی (۱۳۸۶) در مقایسه ارزش‌های مذهبی دو نسل جدید و پیشین، عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵) در بررسی الگوهای ازدواج خویشاوندی بین دو نسل. فاضلی و کلانتری (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «ارزشهای دموکراتیک نسلها» در شهرسازی در بین سه نسل، حسین قدرتی و همکاران در پژوهش خود با عنوان "جهت گیری عاطفی افراد دونسل نسبت به والدین تفاوت معناداری را بین نسل‌ها مشاهده نکرده‌اند.

۴- تحقیقاتی که با تفکیک متغیرهای مورد بررسی هم به وجود فاصله نسلی در بعضی از حوزه‌ها و به نبود فاصله در حوزه‌های دیگر اشاره کرده‌اند: عیوضی (۱۳۹۴)

در بررسی شکاف نسلی در ایران پس از انقلاب در زمینه باورها و ارزش‌ها تفاوت اندک ولی در زمینه رفتارها شکاف نسلی را تایید می‌کند. احمدی (۱۳۸۸) در زمینه اعتقادات دینی تفاوتی بین نسل‌ها مشاهده نمی‌کند ولی در بعد مناسکی و پیامدی دینداری شکاف نسلی را تایید می‌کند. عسگری ندوشن و عباسی (۱۳۸۸) در بعضی از زمینه‌های نگرش به ازدواج عدم تفاوت و در بعضی زمینه‌ها فاصله نسلی را تایید می‌کند. سهراب زاده (۱۳۸۸) در بررسی ذهنیت نسلی بین استادان دانشگاه و دانشجویان، در بعضی زمینه‌ها به تفاوت نسلی و در بعضی زمینه‌ها تشابه نسلی را تایید می‌کند. فتحیان و ربانی (۱۳۸۴) در زمینه‌ی ارزش‌های اجتماعی (مادی و فرامادی اینگلهارت) تفاوتی نمی‌بینند ولی در بعد پیامدی و مناسکی دینی شکاف نسلی را تایید نمی‌کنند. احمدی و حامد (۱۳۹۰) در زمینه تفاوت نسلی اجتماعی، تفاوت نسلی را تایید می‌کنند ولی در زمینه دینی (مناسکی و پیامدی) شکاف نسلی را تایید می‌کنند. جاراللهی و کسمایی (۱۳۹۰) در بعد ارزش‌های خانوادگی تفاوتی نمی‌بینند ولی در بعد هنجارهای مذهبی (پیامدی و مناسکی) تفاوت قابل ملاحظه می‌بینند و در نهایت پناهی (۱۳۸۰) در بررسی خود در زمینه باورها و ارزش‌های مذهبی فاصله‌ای بین دو نسل نمی‌بیند ولی در بعضی از هنجارهای مذهبی شکاف قابل ملاحظه‌ای را مشاهده کرده است.

اکثر تحقیقات (۴۱/۶) درصد به فاصله نسلی اجتماعی توجه کرده‌اند و در مرتبه دوم به حوزه دینی (۲۹ درصد) پرداخته‌اند و ۱۶/۶ درصد نیز به چند حوزه همزمان پرداخته‌اند. حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نیز کمترین نسبت را به خود اختصاص داده است. این اختلاف توجه، بیانگر آن می‌تواند باشد که اختلاف نسلی دینی و اجتماعی منشاء نگرانی بیشتری است.

یافته‌های تحقیقات بررسی شده درباره وجود یا عدم وجود شکاف بیانگر آن است که ۱۶ مورد (۴۰ درصد) + مدعی وجود شکاف نسلی و ۱۲ مورد (۳۰ درصد) مدعی فاصله بین نسلی هستند. از آنجا که غالباً این دو مفهوم را مترادف به کار برده‌اند، می‌توان گفت که اکثر این تحقیقات ۲۸ مورد، ۷۰ (درصد) مدعی وجود شکاف یا فاصله نسلی بین دو نسل قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌باشند و ۷ تحقیق (۱۷/۵ درصد) نیز به وجود شکاف در بعضی زمینه‌ها و به نبود آن در بعضی زمینه‌های دیگر تایید کرده‌اند و ۵ مورد (۱۲/۵ درصد) نیز بیان کرده‌اند که بین نسل‌ها تفاوت قابل توجهی وجود ندارد.

متغیرهای مستقل تبیین کننده

از متغیرهای مستقل بررسی شده در تحقیقات مذکور، که حضور خود را در تحلیل‌های آماری حفظ کرده‌اند مربوط به متغیرهای اجتماعی می‌باشند (رسانه‌های مدرن: ماهواره، اینترنت، تلگرام و...) تحصیلات، بحران هویت، تشتت ارزشی، اعتماد اجتماعی، انسجام هنجاری، تجربه عینی از وقایع اجتماعی، انسجام نهادی سیاسی، جامعه‌پذیری متفاوت، پایگاه اجتماعی، سبک زندگی، معاشرت با گروه همسالان، فردگرایی، منش اجتماعی.

از متغیرهای خانوادگی نیز ارتباط صمیمی اعضای خانواده با یکدیگر، نوع رفتار مادر با دختر، میزان تعامل والدین با فرزندان. از متغیرهای دینی نیز گرایش به اعتقادات دینی در خانواده و میزان دینداری فرد، از متغیرهای زمینه‌ای نیز سن (تفاوت سنی فرزندان با والدین)، رابطه معنا داری با فاصله نسلی داشته است.

تطبیق یافته‌های پژوهش حاضر با فراتحلیل‌های انجام گرفته

الف) تطبیق نتیجه شناختی: تطبیق یافته‌های پژوهش حاضر با فراتحلیل‌های انجام گرفته به جهت مشکل روش شناختی یعنی اغتشاش مفهومی (روشن نبودن تعاریف تفاوت، فاصله، شکاف نسلی) کار را دشوار می‌کند چرا که هیچ کدام از پژوهش‌ها، معیار کمی یکسان و ابزار سنجش یکسانی را به کار نبرده‌اند. درصدی از پژوهش‌ها (۴۰٪) به صرف انتخاب عنوان شکاف نسلی برای پژوهش خود و وجود رابطه معناداری، شکاف نسلی را تایید کرده‌اند و درصدی دیگر (۳۰٪) به صرف انتخاب عنوان فاصله نسلی برای پژوهش خود و وجود رابطه معناداری، فاصله نسلی را تایید کرده‌اند ولی اگر بخواهیم یک شمای کلی توأم با اغماض و تسامح از تطبیق ارائه دهیم می‌توان بیان کرد که از بعد نتیجه شناختی حداقل ۴۰٪ درصد از پژوهش‌های بررسی شده حاضر، که شکاف نسلی را تایید می‌کنند با پژوهش‌های زیر همسو می‌باشد.

با یافته‌های پناهی در زمینه شکاف نسلی هنجاری و با یافته‌های معیدفر در زمینه وجود شکاف در پابندی به مناسک دینی و رویکرد تساهلی به دین و با یافته‌های طالبان در زمینه شرکت در نماز جمعه و جماعت و نیز با یافته‌های یعقوب احمدی در زمینه بروز ارزش‌های ابراز وجود و توسعه فرهنگ دموکراتیک. همچنین در این پژوهش ۱۷,۵٪

وجود شکاف نسلی در بعضی زمینه‌ها را تایید و در برخی از زمینه‌ها وارد می‌کند که با پژوهش‌های پناهی همسو می‌باشد. یعنی پذیرش شکاف در بعد هنجاری و عدم پذیرش آن در بعد ارزشی ۱۲,۵٪ از پژوهش‌ها هیچ تفاوتی را در پژوهش‌ها مشاهده نکردند که با هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده همسو نمی‌باشد. یافته‌های آزاد ارمکی و جانعلی‌زاده چوب بستی تغییرات فرهنگی را می‌پذیرد ولی فاصله یا شکاف نسلی را تایید نمی‌کند.

ب) روش شناختی: یافته‌های روش شناختی این پژوهش نیز با یافته‌های چیت ساز کمی و جانعلی‌زاده چوب بستی در زمینه ارائه ضابطه مشخص برای تفکیک نسل‌ها، نبود تعریف دقیق و شفاف از مفهوم فاصله، شکاف و گسست نسلی، همچنین استفاده از معیارهای متفاوت برای قضاوت در مورد این مفاهیم (درصدهای متفاوت و یا صرف وجود رابطه معنی داری) همسو می‌باشد.

نتیجه‌گیری

با وجود نقاط قوت تحقیقات بررسی شده، نقاط ضعف جدی این تحقیقات در زمینه روش شناختی به شرح زیر می‌باشد: ۱- عدم ارائه تعریف مشخص و دقیق از مفاهیم اختلاف نسلی، فاصله نسلی، شکاف نسلی و گسست نسلی ۲- تفاوت در تعاریف عملیاتی و معیارهای کمی برای انواع مفاهیم اختلاف نسلی ۳- اکتفا کردن اکثر تحقیقات به اعتبار صوری و عدم استفاده از تحلیل عاملی و یا شیوه‌های دیگر برای اعتبار سازه‌ای ۴- اختلاف در فاصله سنی در نظر گرفته شده برای نسل‌ها به ویژه در مورد نسل دوم ۵- عدم تفکیک ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از یکدیگر ۶- عدم استفاده از یک شیوه استاندارد برای تعیین وجود یا نبود فاصله یا شکاف نسلی.

حال به جهت ضعف‌های روشی ذکر شده، یافته‌های موجود شناخت دقیق درباره وجود یا عدم اختلاف نسلی در بین دو سه نسل اخیر در ایران به ما نمی‌دهند فقط تنها یافته‌ای که می‌توان به آن اتکا کرد اختلاف نسلی دینی است که به جهت استفاده از مدل کلاگ و استارک فاصله نسلی قابل توجه در زمینه هنجارهای دینی مورد پذیرش و نبود فاصله قابل توجه در زمینه ارزش‌های دینی می‌باشد. لذا ضرورت دارد پژوهشگران بعدی با در نظر گرفتن این نقاط ضعف، پژوهش‌های دقیق‌تر و معتبرتری را در موضوع فاصله نسلی انجام دهند.

منابع:

- آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی نسلی در ایران، چاپ دوم، تهران: فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، «فرآیند تغییر نسلی: بررسی فراتحلیلی در ایران»، مجله جوانان و مناسبات نسلی شماره اول، بهار و تابستان، صص ۴۱-۶۸.
- احمدی، آرمان و پویان احیایی (۱۳۹۰). بررسی شکاف نسلی و عوامل مرتبط با آن: دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان سراب جامعه پژوهی فرهنگی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱-۲۷.
- احمدی، یعقوب، ویتاحامد (۱۳۹۰). سنجش وضعیت تفاوت نسلها در ابره‌های فرهنگی اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، پایپ ۴۲، شماره دوم، صص ۱۸۵-۲۰۸.
- احمدی، یعقوب، و آزادمنگی (۱۳۹۲). فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نسلهای ایرانی: تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزشهای جهانی برای ایران، اقوام و استان‌های آن، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، پایپ ۵۱، شماره سوم، صص ۱۳۱-۱۵۴.
- احمدی، یعقوب (۱۳۸۸). وضعیت دین داری و نگرش به آینده دین در میان نسلها: مطالعه موردی شهر سنندج، مجله معرفت فرهنگی-اجتماعی، سال اول، شماره اول، زمستان، صص ۱۷-۴۴.
- ارجمندی، حسن، و محسن حسن پور (۱۳۹۲). شکاف نسلی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اندیمشک، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز، صص ۲۹-۴۸.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بابائی فرد، اسدالله و مریم روحی (۱۳۹۵). بررسی تاثیر سبک زندگی بر شکاف بین نسلی بین جوانان، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال یازدهم، شماره ۲۰، صص ۳۵-۶۱.
- بختیاری، آمنه و بهاره نصیری (۱۳۹۷) تاثیر آموزش‌های نرم افزارهای هوشمند موبایلی تلگرام و اینستاگرام در ایجاد شکاف نسلی دختران بامادرانشان در نظام آموزش، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ویژه نامه بهار، صص ۹۵۱-۹۶۷.
- بوستانی، داریوش، و مسعودچاری (۱۳۹۲). بررسی ساختار و محتوای ارزش نسلها:

- مطالعه روی شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمان، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم، شماره ششم، صص ۴۱-۷.
- بهار، مهري، و سحر رحمانی (۱۳۹۱). بررسی شکاف نسلی به لحاظ دینداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ با تأکید بر بعد مناسکی، فصلنامه جامعه شناسی مطالعه جوانان، سال دوم، شماره ششم، تابستان، صص ۴۰-۹.
- پورحسینی، صمد، ربابه عابدینی (۱۳۹۰). بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر پدیده انسجام بین نسلی در میان جوانان و مقایسه آن با والدین، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۴.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۳). شکاف نسلی موجود در ایران و اثر تحصیلات بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۷.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۰). فاصله نسلی و اختلافات خانوادگی و چگونگی برخورد با آن، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال یازدهم، شماره ۳۷ و ۳۸، صص ۷۷-۱۱۳.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). جامعه ایرانی و شکاف نسلیها، نشریه راهبرد، شماره ۲۶ مرکز تحقیقات استراتژیک.
- توکلی، مهناز، ارزش‌های مذهبی دونسل دختران و مادران، شکاف یا پیوستگی. نامه پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان، ۱۳۸۰، صص ۹۷-۱۲۱.
- جاراللهی، عذرا و مینو صدیقی کسمایی (۱۳۹۰). تفاوت نسلی میان مادران و دختران: بررسی عوامل موثر بر تفاوت نگرش آنها به ارزشهای مربوط به خانواده، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۴، صص ۶۹-۱۰۵.
- جانعلیزاده چوب بستی، حیدرو محمدرضا سلیمانی (۱۳۸۷). شکاف نسلی: توهم یا واقعیت؟ مجله تخصصی جامعه شناسی، سال اول، شماره اول، صص ۶۳-۹۹.
- جهانبخش، اسماعیل (۱۳۹۵). عوامل شکاف نسلی در ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی والدین و فرزندان در استان اصفهان، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۶۶-۴۵.
- چیت سازقمی، محمدجواد (۱۳۸۶). بازشناسی مفاهیم نسلی و شکاف نسلی، جوانان و مناسبات نسلی شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۸۵-۱۱۲.
- حضرتی صومعه، زهرا و محمد رحیمی (۱۳۹۴). بررسی جامعه شناختی رابطه رسانه‌های

جدید و شکاف بین نسلی در بین جوانان ۲۸-۲۰ ساله و والدینشان، فصلنامه مطالعات راهبردی جوانان، شماره ۳۰، صص ۱۴۴-۱۲۳.

دانش، پروانه و زهراذاکری نصرآبادی (۱۳۹۳). تحلیل جامعه شناختی شکاف نسلی در ایران، جامعه پژوهی فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۱-۳۰.

ربانی، رسول، و فتحیان صفایی نژاد (۱۳۸۴). فاصله نسلی با تأکید بر وضعیت دین داری و ارزشهای اجتماعی: مطالعه موردی شهر دهمشهرت، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد نوزدهم، شماره ۲، صص ۴۰-۲۱.

ربانی، علی، و عاطفه محمدزاده (۱۳۹۱). بررسی کیفی شکاف نسلی ارزشی بین مادران و دختران در مشهد با تأکید بر ارزشهای دینی، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره پیاپی ۴۶، شماره دوم، صص ۸۸-۶۵.

رحیمی، محمد، امیرآشفته تهرانی، زهرا حضرتی (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی موثر بر شکاف بین نسلی، مطالعه موردی شهر خلخال در سال ۱۳۹۰، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، شماره سوم، صص ۹۸-۷۹.

زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴). اعتماد، یک نظریه جامعه شناختی، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز: نشر ستوده.

سراجی، فرهاد و سمیه خاوری، سواد فن آوران دانش آموزان و دبیران، تحلیلی بر تفاوت دونسل، پژوهش‌های جامعه شناسی معاصر، شماره ۹، پائیز وزمستان ۱۳۹۵، صص ۵۲-۳۱
سهراب زاده، مهران (۱۳۸۸). مقایسه ذهنیت نسلی و بین نسلی در نسل‌های دانشگاهی پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸، صص ۲۹۴-۲۶۳.
شرفی، محمدرضا (۱۳۸۲). مؤلفه‌ها و عوامل گسست نسلها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

شفرز، برنهارد (۱۳۸۳). مبانی جامعه شناسی جوانان، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران: نشر نی.
شیخی، محمدتقی (۱۳۸۱). عوامل موثر بر ایجاد فاصله نسل‌ها و دوری از وفاق اجتماعی، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات)، جلد سوم، تدوین فردرو، حمیدی و یعقوبی.

طالبان، محمدرضا، مهدی رفیعی بهابادی (۱۳۸۹). «تحولات دینداری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸)»، مجله مسائل اجتماعی ایران، سال اول- شماره ۲.
طالبان، محمدرضا و احسان عسگری، (۱۳۹۶)، نگرش به ارزش‌های سیاسی انقلاب

- اسلامی: شکاف یا تفاوت نسلی؟، اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۱۲، صص ۱۳۷-۱۱۳.
- طولابی، زینب، و خلیل کمربگی (۱۳۹۲). تفاوت ارزشی در روابط والدین و فرزندان: بررسی و تبیین مسئله تفاوت ارزشی در ایلام، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال نهم، شماره ۳۴، صص ۲۱۹-۲۰۵.
- عباسی شوازی، محمد جلال، و فاطمه ترابی (۱۳۸۵). تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره ۴۶، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- عسگری ندوشن، عباس، و محمد جلال عباسی شوازی (۱۳۸۸). تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شه‌ریزد، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۲، صص ۳۱-۷.
- عیوضی، غلامحسین، (۱۳۹۴) بررسی جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران پس از انقلاب اسلامی با تاکید بر عناصر فرهنگ هویت ایرانی، فصلنامه مطالعات اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، صص ۹۰-۱۲۰.
- غفاری، غلامرضا، و ریحانه تمیزی فر (۱۳۹۰). «تبیین نسلی تغییرات ارزشی شه‌روندان تهرانی»، پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، سال اول شماره دوم، نیمه دوم، صص ۱۳۰-۱۰۵.
- فاضلی، محمد، و میترا کلاتری (۱۳۹۱). ارزش‌های دموکراتیک نسلیها: مطالعه موردی در شهر ساری مجله جامعه‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۱ و ۲ صص ۱۰۸-۸۴.
- فرزانه، سیف‌اله، و عیسی چراتی (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تفاوت ارزشی: مطالعه موردی والدین و جوانان شهر ساری، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- فیرحی، داود (۱۳۸۲). درآمدی نظری بر سیلان یا انقطاع نسلیها در ایران، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- فتحی، سروش، و نیره پیراهری (۱۳۹۰). بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر شکاف نسلی: خانواده‌های شهرستان گرمسار، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره چهارم، صص ۱۶۴-۱۴۱.
- قائم‌زاده، محمد سلمان و شکیبا کولیوند (۱۳۹۳). شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان شهر اسدآباد، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال هشتم، شماره سوم پیاپی ۲۶، صص ۲۰۰-۱۷۳.
- قدرتی، حسین، حسین افراسیابی و احمد محمد پور (۱۳۹۲). جهت‌گیری عاطفی افراد

دونسل نسبت به والدین و تعیینکننده‌های آندر شهرسبزوار، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و چهارم، شماره پیاپی (۵۱) شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۹۷-۱۱۴.

کریمیان، حبیب‌الله و مهرداد نوابخش، (۱۳۹۶)، تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی فرزندان و والدین در انتظار از نقش یکدیگر در خانواده شهری در ایران (مطالعه موردی شهر تهران)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۳، صص ۲۱-۴۳.

کفاشی، مجید (۱۳۹۴). عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر شکاف نسلی جوانان شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، صص ۶۷-۸۶.

کلدکی، حسن (۱۳۸۵). «مقایسه ارزشهای مذهبی دو نسل جدید و پیشین در ایران»، نامه پژوهش فرهنگی، سال نهم، شماره دوم، صص ۱۷۱-۱۹۷.

کلدی، علیرضا، و مرتضی جمشیدی (۱۳۸۸). «تعارض ارزشی بین والدین و فرزندان از دیدگاه دانش‌آموزان شهرستان آمل و عوامل مرتبط با آن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره نوزده، صص ۱۴۱-۱۵۳.

کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۶۸.

معید فر، سعید (۱۳۸۸). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی، بررسی شکاف نسلی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۸۳، صص ۵۵-۸۰.

مقدس، علی اصغر و فاطمه نوروزی. (۱۳۹۰). «مقایسه ارزش‌های مذهبی بین دو نسل دختران و مادران شهرهای لار و جهرم، مجله مطالعات زنان، سال ۹- شماره ۳ صص ۷-۳۶.

نیازی، محسن، و محمد گنجی (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر هویت فرهنگی با تاکید بر شکاف نسلی در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر کاشان، مطالعات میان فرهنگی، شماره ۳۰، صص ۹۳-۱۱۸.

یوسفی، نریمان (۱۳۸۲). شکاف بین نسلها، بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشکده علوم اجتماعی و انسانی جهاد دانشگاهی.

Bacher, H.A. (2000). "Discontinuous Change and Generational Contracts", In S. Arber and C. Attias-Donfut (Eds.), *The Myth of Generational Conflict*, 114-132. England: Routledge & Keegan Paul.

Bourdieu, Pierre (1984/2002). *Questions de Sociologie*, Lut

Editions Demeniut7 , Rue Bernard Palissy , Paris.

Dassbach, CHA (1995). *Long Waves and Historical Generation: A World System Approach*, Michigan technological university Department of social Sciences.

Eisenstadt. S. N. (1959). *From Generation to Generation; Age Groups and Social Structure*. London: Gelenco.

Jacobsen, R. Brooke, Kenneth J. Berry and Keith F. Olson (1975). "An Empirical Test of the Generation Gap: A Comparative Intrafamily Study." *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 37, No. 4, 841-852.

Mannheim, Karl (1952). "The Problem of Generations" in Karl Mannheim *Essays on the Sociology of Knowledge*, RKP (first published in 1923).

Mead, Margaret (1970). *Culture and Commitment*. National History Press.

Oxford, Advanced Learner's Dictionary.(2000) .Oxford University press.

Pilcher, Jane (1994). "Mannheim's Sociology of Generations: An Undervalued Legacy" *The British Journal of Sociology*, Vol. 45, No. 3, 481-495.

Reinhold, Meyer (1970). "The Generation Gap in Antiquity," *Proceedings of the American Philosophical Society*, Vol. 114, No. 5, 347-365.

"International Encyclopedia of Social sciences", vol6/16, Macmillan Inc ,1968. Sills, David L.